



A Behavioral Analysis of the U.S. Military (Case Study: 1953–1979)

Manouchehr Sharifi

PhD in National Security, National Defense University, Tehran, Iran

Email: yth42108@gmail.com

Abstract

U.S. military behavior during the period from 1953 to 1979 was shaped by the components of the Cold War. Accordingly, the United States had no choice but to manage and control Iran militarily in order to establish a balance within the Cold War equilibrium. Therefore, the United States undertook all necessary measures to align Iran with itself in the military sphere. In this article, the researcher seeks to examine U.S. military behavior during the Second Pahlavi period within the framework of Jihad of Explanation. Accordingly, the research question is formulated as follows: What was the nature of U.S. military behavior during the Second Pahlavi period? Using a descriptive-analytical method based on a qualitative model and adopting a rational-choice explanatory and structural-causal approach, this study examines the main dimensions and manifestations of U.S. military behavior during the Pahlavi period based on reliable documents and evidence. The findings indicate that, in order to control and manage the military sphere during the Pahlavi period, the United States, given the autocratic structure of the government in which the majority of power was concentrated in the hands of the ruler, prioritized the country's first center of power (the Shah), followed by its second center of power (senior army commanders). By gaining control over these two centers of power, the United States employed the Army (through equipping and training the armed forces) and counterintelligence (through the establishment and training of counterintelligence organizations) in pursuit of its objectives and interests in the West Asian region.

Keywords: United States, Pahlavi, Military Behavior, Army, Cold War





فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی

سال پانزدهم، شماره سوم (پیاپی ۶۰)، پاییز ۱۴۰۴، صص. ۴۱-۷۲
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱۵

مقاله پژوهشی

رفتارشناسی نظامی آمریکا (مطالعه موردی مقطع ۱۳۳۲ - ۱۳۵۷)

منوچهر شریفی

دکتری امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

Email: yth42108@gmail.com

چکیده

رفتار نظامی آمریکا در مقطع ۱۳۳۲ الی ۱۳۵۷ تابع مؤلفه‌های جنگ سرد بود، بر این اساس آمریکا چاره‌ای نداشت جز مدیریت و کنترل نظامی ایران برای ایجاد تعادل در موازنه جنگ سرد بنابراین آمریکا کلیه اقدامات خود را به‌کار گرفت تا بتواند ایران را در حوزه نظامی با خود همراه سازد. در این مقاله محقق بر آن است تا در راستای جهاد تبیین، رفتار نظامی آمریکا در دوره پهلوی دوم را بررسی نماید بنابراین سؤال تحقیق این‌گونه طرح می‌شود که رفتار نظامی آمریکا در دوره پهلوی دوم چگونه بوده است؟ این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی مبتنی بر مدل کیفی با رویکرد تبیین‌گری اختیار عاقلانه و ساختاری-علی، محورهای و مصداق‌های رفتار نظامی آمریکا در دوره پهلوی مبتنی بر اسناد و مدارک متقن مورد توجه و مذاقه قرار می‌گیرد، برابر نتایج به‌دست‌آمده؛ آمریکا برای کنترل و مدیریت حوزه نظامی دوره پهلوی، به جهت ساختار حکومت استبدادی که عمده قدرت در اختیار حاکم است، تمرکز خود را با اولویت یک بر قدرت اول کشور (شاه) و سپس بر قدرت دوم کشور (فرماندهان عالی ارتش) لحاظ نموده و با تسلط بر این دو مرجع قدرت، ارتش (تجهیز و آموزش ارتش) و ضد اطلاعات (تأسیس و آموزش ضد اطلاعات) را در جهت اهداف و منافع خود در منطقه غرب آسیا به‌کار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: آمریکا، پهلوی، رفتار نظامی، ارتش، جنگ سرد

دانشگاه عالی دفاع ملی ♦ پژوهشکده مطالعات راهبردی و امنیت ملی / فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی



<https://smsnds.sndu.ac.ir//> E-ISSN: 2980-8413



صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است و بیاگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی نیست.



مقدمه

دخالت آمریکا در حاکمیت پهلوی دوم، از حالت کسب امتیازات مقطعی توسط ایالات متحده با اعمال کنترل بر سیاستمداران ایرانی فراتر رفته و شکل کارگزاری و پایدار پیدا می‌نماید بدین معنی که جهت‌گیری اصلی کشور و سیاست‌های کلان در آن دوران، در چهارچوب ریل‌گذاری اهداف و منافع آمریکا معطوف می‌گردد. کنترل نظامی در این دوران در ابعاد و سطوح مختلف همانند جلب همکاری شاه، تغییر ساختار ارتش، شبکه‌سازی از فرماندهان و نظامیان، حضور متعدد شرکت‌ها و مستشاران نظامی برای تأمین اهداف و منافع ایالات متحده، تصویب قوانین و ایجاد هنجارها و ارزش‌ها مطابق با خواست‌های آمریکا عملیاتی می‌گردد که در راستای تثبیت و تضمین روابط دست‌نشانده در ایران آن دوران است. بنابراین دغدغه محقق بررسی چگونگی حضور آمریکا در ارتش و بخش‌های نظامی حکومت پهلوی دوم است و برای حصول نتیجه از روش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته می‌شود.

اهمیت کالبد شکافی رفتار نظامی آمریکا در دوره پهلوی دوم برای درک صحیح قواعد تکرارشونده تاریخی از جهت ریشه‌یابی رفتارهای جاری آمریکا امری مهم و حیاتی است، از سوی دیگر یکی از محورهای اصلی تبلیغات در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های بیگانه وابسته به اپوزیسیون سلطنت‌طلب به‌ویژه در سال‌های اخیر، تطهیر چهره رژیم پهلوی به‌عنوان یک فرد میهن‌پرست ملی است اهمیت پژوهش حاضر تحقیق حاضر گامی در جهت تبیین چهره واقعی حکومت پهلوی دوم و آمریکا است در ضرورت پژوهش مذکور لازم به ذکر است که عدم ورود به چنین حوزه‌هایی باعث می‌گردد گروه‌های ضدانقلاب شاه خائن و فاسد و وطن‌فروش را به‌عنوان یک فرد لایق و خدمت‌گزار به نسل جدید و جوانان معرفی می‌نمایند.

هدف پژوهش تبیین رفتار نظامی آمریکا در دوره پهلوی دوم است بنابراین سؤال اصلی تحقیق این‌گونه طرح می‌شود، رفتار نظامی آمریکا در دوره پهلوی دوم چگونه بوده است؟ برای پاسخ‌گویی علمی به سؤال، محورها و مصداق‌های رفتار نظامی آمریکا در دوره پهلوی



دوم مستند به اسناد و مدارک معتبر مورد توجه و مذاقه قرار می‌گیرد تا رفتار نظامی آمریکا در دوره پهلوی دوم با ارائه اسناد متقن اثبات و تحلیل گردد. فرضیه اصلی در این پژوهش این است که رفتار نظامی آمریکا در دوره پهلوی دوم به صورت ساختارگرایانه بوده است.

۱. پیشینه پژوهش

جدول ۱: پیشینه پژوهش

عنوان رساله	هژمون گرایی منطقه‌ای ایران: بررسی رابطه حکومت پهلوی دوم و آمریکا
مشخصات محقق	موسوی، حسین
محل اجرا	سال ۱۳۹۶ در دانشگاه علامه طباطبائی، پژوهش با روش توصیفی و با جمع‌آوری کتابخانه‌ای انجام شده است.
سؤال‌ها-فرضیه‌ها	۱. آمریکا با برقراری رابطه هدفمند با حکومت پهلوی به دنبال تضمین امنیت منافع خود در منطقه بود. ۲. آمریکا به جهت مقابله با شوروی تعامل و رابطه با ایران را پیگیری می‌کرد. ۳. آمریکا به دنبال ساخت ایرانی قوی ولی مستعمره از ایران دوره پهلوی بود.
نتایج	یادشده در این تحقیق به این نتیجه رسیده است که آمریکا با دکترین نیکسون و کیسینجر دو کشور بزرگ منطقه را تشویق کرد که حفاظت از امنیت منطقه را بر عهده بگیرند، محمدرضا پهلوی که احساس خطر زیادی از جنبش‌های چپ‌گرای همسایه خود یعنی شوروی و عراق داشت شرایط منطقه‌ای را برای دفع این تهدیدات و برپایی نظام امنیتی جدید با محوریت ایران فراهم دید و از این فرصت استفاده نمود تا ایران را به با پول نفت به دیوی تجهیزات نظامی آمریکا تبدیل نماید.
عنوان مقاله	چرخش در سیاست خارجی ایران در دهه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش (از موازنه منفی تا وابستگی)
محقق	میلانی، جمیل
مشخصات فصلنامه	این مقاله در سال ۱۳۹۳ در شماره ۴ فصلنامه سیاست به چاپ رسیده است.
سؤال‌ها/ فرضیه‌ها	آیا چرخش در سیاست خارجی ایران در دهه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش به جهت منافع ملی بوده است؟
نتایج تحقیق	نگارنده در پی آن است تا با نگاهی به وضعیت سیاست خارجی ایران بعد از کودتای ۲۸ مرداد چرخش کامل در سیاست خارجی ایران را نشان دهد که در مقاله به این نتیجه می‌رسد این تغییر تاکتیک نه براساس منافع کشور بلکه براساس دخالت‌های

بیگانگان و منافع آنان و با همکاری عوامل دست‌نشانده شکل می‌گیرد. شاه بعد از کودتا از روابط ایران با آمریکا در زمان دکتر مصدق به‌عنوان موازنه منفی نام برد و تأکید نمود بعد از کودتا این موازنه به موازنه مثبت تغییر شکل خواهد داد بنابراین با این طرح شاه که بازگشت به قدرت مجدد را مدیون آمریکا می‌دانست عملاً همه بخش‌های کشور را در اختیار آمریکا قرار داد.	
عنوان مقاله	بررسی روابط ایران با آمریکا در دوره نخست‌وزیری علی امینی
مشخصات محقق	رسولی، مجید
محل اجرا	مقاله فوق در سال ۱۳۸۸ توسط در فصلنامه پژوهش‌های علوم انسانی به چاپ درآمده است
سؤال تحقیق	رابطه ایران با آمریکا در دوره نخست‌وزیری علی امینی چگونه بوده است؟
نتیجه تحقیق	نگارنده در این مقاله با تشریح برنامه‌های آمریکا در دوران نخست‌وزیری علی امینی به این نتیجه می‌رسد برنامه‌هایی که آمریکا در ایران به اجرا درآورد موجبات از هم گسیختگی بافت اجتماعی ایران گردیده و دگرگونی حاصل از این برنامه‌ها در جامعه ایران به دلایل مختلف نتوانست شکل منظمی پیدا نماید و در نتیجه باعث افزایش نارضایتی مردمی و تشکیل گروه‌های مخالف رژیم را در پی داشت که منجر به قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ گردید.
عنوان	Magestic failure: The fall of the shoh
محقق	«زونیس» ^۱ ، ماروین
مشخصات	کتاب فوق در سال ۱۹۹۱ م چاپ شده است.
نتایج تحقیق	در این کتاب سقوط شاه براساس یک تحلیل روان‌شناختی از شخصیت شاه و وابستگی‌های او به برخی از اطرافیانش تبیین شده است و عقیده دارد علت اصلی سقوط شاه ضعف‌های درونی خود او بوده باین‌حال نویسنده در تحلیل خود از نقش شرایط بین‌المللی به‌ویژه عملکرد آمریکا غفلت نکرده است. نویسنده شاه را فردی ضعیف معرفی می‌نماید لیکن تأکید می‌کند برخی عوامل باعث شد تا این فرد ضعیف بتواند سال‌ها در ایران حکمرانی نماید؛ ۱. دوستانی همچون علم و فردوست ۲. ارتش و ساواک ۳. حمایت آمریکا. این سه عامل به شاه کمک کرد تا بتواند با دفع مشکلات و مسائل پیش‌آمده، دولت را مدیریت نماید. نویسنده علت اصلی ضعف‌های شاه را محیط تربیتی دوران کودکی و استبداد رضا شاه معرفی کرده است.
عنوان	Foreign relations of Iran: Developing state in a zone of Great Power conflict
محقق	ذبیح، سپهر؛ چوبین، شهرام



مشخصات	کتاب فوق در سال ۱۳۶۶ در امارات چاپ شده است.
نتایج تحقیق	ذبیح و چوبین روابط خارجی ایران را در دوران پهلوی دوم با در نظر گرفتن شرایط بین‌المللی آن هنگام مورد بررسی قرار داده‌اند، البته هر دو نویسنده رویکردی جانبدارانه نسبت به محمدرضا شاه در این کتاب اتخاذ کرده و عمده اقدامات پهلوی به‌خصوص ارتباط راهبردی با آمریکا را از دستاوردهای شاه می‌دانند. نویسندگان کلیه رفتارهای تحمیلی آمریکا نسبت به شاه را به‌عنوان موفقیت‌های شاه تلقی و رفتارهای آمریکا در وابسته‌سازی و مستعمره‌سازی ایران دوران پهلوی را از زاویه دیگر در جهت رشد و صنعتی شدن کشور تحلیل کرده‌اند که با توجه به اسناد موجود تحلیل‌های تخیلی یادشدگان مورد انتقاد اصحاب تاریخ قرار گرفته است و از این جهت که در افکار عمومی تأثیر دارد مهم است و بایستی به آن پاسخ داده شود.
عنوان	Revolution in Iran: Roots Turmoil
محقق	کامروا، مهران
مشخصات	کتاب فوق در سال ۲۰۰۷ م در قطر چاپ شده است.
نتایج تحقیق	کامروا مدیر مرکز مطالعات منطقه‌ای و بین‌المللی در دانشگاه جرج‌تاون آمریکا در قطر در کتاب ریشه‌های انقلاب ایران به تحلیل دقیق و جزئی حوادثی پرداخته که به وقوع انقلاب اسلامی در ایران منتهی می‌گردد نویسنده در کتاب فوق تلاش می‌کند چهره مثبتی از شاه نشان داده و سیاست غرب‌زدگی پهلوی را به‌دلیل غلبه بر همسایگان عرب و مقابله به کمونیست روس تحلیل می‌نماید. نویسنده به‌جای سیاست‌های اشتباه شاه در رفتار با مردم، دین و همسایگان را دلیل شکست تاریخی پهلوی از روحانیت می‌داند که همین موضوع کیفیت علمی این نوشته را کاهش می‌دهد. نویسنده فراموش می‌کند تهدید سوسیالیست روس و همسایگان بخش عمده‌ای ساخته و پرداخته آمریکا برای رسیدن به هدفش بوده است.

۲. چهارچوب مفهومی

۲-۱. پهلوی

دوره پهلوی آخرین دوره پادشاهی ایران از سال ۱۳۰۴ الی ۱۳۵۷ شمسی است که بعد از برچیدن حکومت قاجار بر ایران مسلط گردید. حضور مؤثر آمریکا در ایران برابر اسناد تاریخی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش در زمان حکومت پهلوی دوم حادث شده است. پهلوی دوم یا محمدرضا آخرین پادشاه دودمان پهلوی و آخرین پادشاه ایران از ۲۵ شهریور

۱۳۲۰ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ش بر ایران حکومت رانده است. محمدرضا شاه در پی استعفای پدرش رضا پهلوی و با رأی مجلس شورای ملی به پیشنهاد محمدعلی فروغی برای حفظ تمامیت ارضی ایران بر اثر هجوم متفقین به پادشاهی رسید و با انقلاب ۱۳۵۷ برکنار شد.

۲-۲. وضعیت نظامی در دوره پهلوی

ساختار نظامی دوره پهلوی متأثر از مؤلفه‌های متعددی است که هرکدام از این مؤلفه‌ها نقش بزرگی در تبدیل ایران به یک پادگان نظامی متشکل از تجهیزات آمریکایی داشت، در زیر به برخی از این مؤلفه‌ها اشاره می‌گردد:

❖ اشغال ایران در جریان جنگ جهانی اول و دوم و غرور شکسته ایرانیان از تاخت‌وتاز بیگانگان در کشور؛

❖ هم‌جواری ایران با مهد کمونیسم جهانی؛

❖ همسایگی ایران با کشورهای عربی رادیکال؛

❖ تجربیات تلخ آمریکا در جنگ ویتنام و طرح دکترین نیکسون؛

❖ علاقه وافر و رؤیایی حاکم مستبد ایران به توسعه نظامی.

مؤلفه‌های فوق و برخی دلایل دیگر باعث شد تا ایران در ساختار نظامی بدون حدودمرز و به‌صورت افراطی اقدام به خرید کمی و کیفی تجهیزات نظامی آمریکایی نماید و همین خریده‌ها باعث گردید تا ساختار نظامی ایران دچار تغییرات اساسی گردد که در ادامه به برخی از این تغییرات اشاره می‌نماییم:

۱. ارتش ایران در سه بخش زمینی، هوایی و دریایی شکل گرفت. نیروی زمینی مرکب از ۲۵۵۰۰۰ نفر بود که در چهار لشکر زرهی، چهار لشکر پیاده‌نظام، چهار تیپ مستقل (تیپ پیاده‌نظام، تیپ زرهی، تیپ هوابرد و تیپ نیروهای ویژه) سازمان‌دهی شده بود. در نیروی زمینی تجهیزات مدرنی در قسمت ترابری، توپخانه و پدافند هوایی و زمینی وجود داشت. همچنین نیروی زمینی دارای ۹۵۰ فروند پرنده، به‌ویژه بالگردهای هوانیروز، بود (Mojtahed, 1990: 20).



۲. نیروی دریایی در سیاست خارجی و نظامی ایران نقش بسیار مهمی ایفا می‌کرد. براساس نظریات دولت شاهنشاهی، محدودهٔ فعالیت امنیتی ایران از خلیج فارس فراتر بود و بخش‌هایی از آب‌های دریای عمان و اقیانوس هند را نیز شامل می‌شد. ایران برای تقویت هرچه بیشتر نیروهای خود در دریای عمان و اقیانوس هند، پایگاه دریایی و هوایی بسیار مجهزی در کنارک چابهار با هزینهٔ ۸۰۰ میلیون دلار تأسیس کرد. پایگاه کنارک، پس از مرکز دریایی آمریکا در جزیرهٔ دیه‌گو گارسیا در اقیانوس هند، از پیشرفته‌ترین و بزرگ‌ترین انواع خود در جهان بود (زنده‌مقدم، ۱۳۷۲: ۶۵). کارکنان نیروی دریایی بالغ بر ۲۵/۰۰۰ نفر بودند و مجموعه‌ای از کشتی‌های جنگی پیشرفته آن را بسیار کارآمد می‌ساخت مجموعهٔ کامل و گسترده‌ای از کشتی‌های آبی-خاکی موسوم به هاورکرافت تحت نظارت و هدایت شهریار شفیق از خانوادهٔ سلطنتی در نیروی دریایی ایران نقش بسیار مهمی ایفا می‌کرد.

۳. نیروی هوایی بیشتر از دو شاخهٔ نظامی دیگر رشد و توسعه یافت. نیروی هوایی از توانمندی بیش از ۱۰۰/۰۰۰ نفر و ۴۶۰ هواپیمای گوناگون بهره‌مند بود. مجموعه‌ای از شرکت‌های آمریکایی از جمله «نورث روب»^۱، «لاک‌هید»^۲، «جنرال الکتریک»^۳، «گرومن»^۴ و بل صنایع نظامی هوایی ایران را تجهیز و نگهداری می‌نمودند (احمدی، ۱۳۷۲: ۹). شاه در گفت‌وگویی با هیکل تأکید کرد: «نیروی هوایی ایران باید به‌قدر کافی قوی باشد تا تمام منطقه را از خلیج فارس تا دریای ژاپن محافظت نماید» (هیکل، ۱۳۶۲: ۱۹۴).

۴. ارتش ایران با حمایت بی‌دریغ آمریکا و در راستای سیاست‌های نوین خارجی و نظامی آن به تجهیزات بسیار پیشرفته‌ای مجهز گردید که دست یافتن به آن برای بسیاری از دولت‌های هم‌پیمان واشینگتن مشکل و حتی غیرممکن می‌نمود. در حقیقت، تسلیحات دریافتی ایران از نظر حجم، مقدار و تکنولوژی در میان تمامی کشورهای توسعه‌نیافته نظیر نداشت (رواسانی، ۱۳۷۶: ۲۲۸).

1. Northroob
2. Lackhid
3. Genera Electric
4. Grownmen

جدول ۲: وضعیت نظامی رژیم پهلوی

وضعیت نظامی رژیم پهلوی	
نیروی زمینی	متشکل از ۲۵۵۰۰۰ نفر شامل چهار لشکر زرهی، چهار لشکر پیاده‌نظام، چهار تیپ مستقل (تیپ پیاده‌نظام، تیپ زرهی، تیپ هوایر و تیپ نیروهای ویژه) و دارای ۹۵۰ فروند هلیکوپترهای هوانیروز.
نیروی دریایی	دارای بزرگ‌ترین پایگاه دریایی بسیار مجهز در کنارک چابهار با هزینه ساخت ۸۰۰ میلیون دلار و شامل ۲۵/۰۰۰ نفر و مجموعه کامل و گسترده‌ای از کشتی‌های آبی-خاکی موسوم به هاورکرافت و ناوشکن و ناوچه.
نیروی هوایی	متشکل از ۱۰۰/۰۰۰ نفر و ۴۶۰ هواپیمای جنگنده و پشتیبانی.

۲-۳. اهداف استراتژیک آمریکا در خاورمیانه (بعد از جنگ جهانی دوم)

برابر اسناد اهداف استراتژیک آمریکا در خلیج فارس بعد از جنگ جهانی دوم عبارت‌اند از:

- ❖ جلوگیری از گسترش نفوذ شوروی در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس؛
- ❖ حفظ تمامیت ارضی رژیم صهیونیستی؛
- ❖ تأمین جریان آزاد نفت برای استفاده کشورهای صنعتی و پیشرفته غرب؛
- ❖ حفظ و گسترش منافع اقتصادی آمریکا؛
- ❖ حفظ و تحکیم ثبات و امنیت منطقه‌ای برای اهداف بالا؛
- ❖ زمینه‌سازی برای تسریع در روند صلح خاورمیانه؛
- ❖ گسترش نفوذ و تحکیم روابط با کشورهای میانه‌رو و طرفدار غرب در منطقه (اسدی، ۱۳۸۱: ۳۲۹).

۲-۳-۱. آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم

جنگ جهانی دوم و خلأ قدرت ناشی از آن در عرصه بین‌المللی، فرصتی مناسب پدید آورد تا ایالات متحده مرحله جدیدی در راهبرد کلان خود آغاز نماید. در جریان جنگ جهانی دوم و پس از آن در جریان جنگ سرد، آمریکا از تضعیف قدرت‌های بزرگ در نتیجه جنگ و خلأ قدرت ناشی از آن استفاده کرد و با بهره‌گیری از توانایی‌های خود که حاصل بیش از یک



قرن راهبرد توسعه داخلی بود، حوزه نفوذ خود را به مناطق حساس و مهم جهان من جمله اروپای غربی، شرق آسیا، خلیج فارس و خاورمیانه گسترش داد و این مناطق را از جمله منافع حیاتی خود تعریف نمود.

از نظر اقتصادی ایالات متحده به بازارهای مصرف، سرمایه‌گذاری و مواد خام نیاز داشت که دستیابی به آن‌ها در چهارچوب اقتصادهای ملی و محصور امکان‌پذیر نبود بنابراین با استفاده از نیاز سایر کشورهای مهم به آمریکا برای بازسازی ویرانه‌های جنگ، ایجاد اقتصاد بین‌المللی باز تحت رهبری خود را هدف قرار داد. از نظر ایدئولوژیکی حفظ نظام‌های لیبرالیستی و غیر کمونیستی را از جمله منافع حیاتی خود تعریف نمود چراکه در این دوره نوع نظام سیاسی تا حد زیادی تعیین‌کننده جایگاه یک کشور در بلوک دوست یا دشمن بود (مینایی، ۱۳۸۶: ۱۲۲). از نظر سیاسی نیز ایالات متحده به ظاهر در چهارچوب راهبرد مهار و درواقع به منظور تداوم حضور نظامی و حفظ حوزه نفوذ خود در مناطق حساس جهان اقدام به ایجاد پیمان‌های امنیتی دو و چندجانبه (ناتو، سیتو، سنتو، معاهده امنیتی با ژاپن، کره جنوبی، فیلیپین، ایران و غیره) اشاره نمود.

راهبرد واقعی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم در مناطق حساس دنیا و خاورمیانه گسترش، تثبیت و تحکیم حوزه نفوذ خود در مناطق مختلف جهان بود و تهدید کمونیسم دستیابی آمریکا به این هدف را تا حدی تسهیل نمود. از نظر استراتژیست‌های آمریکا، ایالات متحده تنها کشوری است که ابرقدرت بدون منازعه جهان است این کشور از تسلط ایدئولوژیکی و استراتژیکی برخوردار است و بنابراین نفوذ و اقتدار هژمونیک را اعمال می‌کند، سهم این کشور از تولید ناخالص جهانی نیز بیشتر از میزانی است که برای حفظ برتری خود لازم دارد علاوه بر این آمریکا بیش از هر کشور دیگر از قدرت نرم برخوردار است و پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌ها در حوزه صنعتی را در اختیار دارد و این برتری از کارایی تسلیحات سنتی آمریکا می‌کاهد (مینایی، ۱۳۸۶: ۱۶۴).

نخبگان سیاسی حاکم بر آمریکا منافع استراتژیست این کشور در مناطق حساس و مهم جهان را بعد از جنگ جهانی دوم به شرح زیر مطرح می‌نمایند:

از نظر سیاسی تداوم سلطه بر محیط امنیتی اروپا، شرق آسیا، خاورمیانه و خلیج فارس که قبلاً در جریان جنگ سرد حاصل شده، باید تداوم یابد.

از نظر اقتصادی افزایش دسترسی به بازارهای اروپا، شرق و جنوب شرقی آسیا، خاورمیانه و خلیج فارس، کنترل منابع و مسیرهای انتقال انرژی و در صورت لزوم امکان استفاده از آن‌ها به عنوان ابزاری علیه کشورهای متخاصم.

از نظر ایدئولوژیکی گسترش حاکمیت نظام‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باز به اروپای مرکزی و شرقی، شوروی، شرق و جنوب شرق آسیا و تداوم حاکمیت حکومت‌های غرب‌گرا در کشورهایی که فضای باز سیاسی ممکن است به منافع امنیتی و اقتصادی آمریکا لطمه وارد سازد (مترجمان، ۱۳۸۱: ۴۴)

۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش پیش‌رو یک تحقیق تاریخی است، پژوهش تاریخی عبارت است از بازسازی گذشته به منظور حل مسائل.

نوع تحقیق کاربردی و توسعه‌ای است، روش تحقیق براساس نحوه گردآوری داده‌ها با توجه به موضوع پژوهش، توصیفی-تحلیلی مبتنی بر مدل کیفی با رویکرد تبیین‌گری اختیار عاقلانه و ساختاری-علی است.

قلمرو زمانی از نظر جمع‌آوری داده ۳۷ سال دوره پهلوی دوم (محمدرضا پهلوی) است. قلمرو مکانی این تحقیق هم از نظر مکان جمع‌آوری داده‌ها و هم از نظر مکان کاربردی نتایج این تحقیق در فضای جمهوری اسلامی ایران است.

گردآوری داده به روش کتابخانه‌ای و اسنادی صورت گرفته و از «مصاحبه درجه اول و مصاحبه درجه دوم»^۱ نیز برای روایی اسناد و نیز اشباع نظری بهره‌گیری شده است.

در این پژوهش با پنج نفر از اعضای اصلی تیم مدیریت نظامی پهلوی مصاحبه درجه اول

۱. مصاحبه درجه اول به مصاحبه‌ای گفته می‌شود که در آن مصاحبه‌شونده در محل و زمان موضوع تحقیق حضور داشته و شخصاً به صورت مستقیم با موضوعات برخورد نموده است و مصاحبه درجه دوم به مصاحبه‌ای گفته می‌شود که در آن مصاحبه‌شونده در محل و زمان مصاحبه حضور نداشته لیکن از طریق مطالعه یا مشاهده و خاطره دارای اطلاعاتی در حوزه تحقیق حاضر است.



انجام شده که محقق از نتایج آن‌ها بهره‌برداری نموده است. سپس با توجه به نتایج به دست آمده از این پنج نفر، با پنج نفر از خبرگان و صاحب‌نظران و اساتید دانشگاهی و حوزه نظامی و امنیتی در داخل کشور مصاحبه درجه دوم انجام گردید.

الف. مصاحبه درجه اول

مصاحبه درجه اول تحقیق در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ توسط تیم حسین دهباشی با هماهنگی کتابخانه ملی ایران و کتابخانه ملی آمریکا و با پشتیبانی صداوسیما در کشورهای آمریکا، فرانسه و انگلیس انجام گردید.

جدول ۳: مصاحبه درجه اول

ردیف	نام و نشان	مسئولیت در دوره پهلوی	اهم موارد مطرح شده
۱	دریادار امیر هوشنگ آریانپور	معاون فرماندهی نیروی دریایی	ارتش در زمان شاه به صورت کامل در اختیار مستشاران آمریکایی قرار داشت، آن‌ها هم هرکسی را که خودشان دوست داشتند به جمع خود راه می‌دادند و در بعضی مواقع هم از موضوعات فنی و تخصصی به او مسائلی را آموزش می‌دادند.
۲	سپهبد عبدالله آذربرزین	جانشین و معاون عملیاتی فرماندهی نیروی هوایی شاهنشاهی	ما در خرید هواپیمای شکاری به این نتیجه رسیدیم که اف-۱۴ برای ما مقرون به صرفه نیست؛ بنابراین به شاه گفتیم که نباید اف-۱۴ بخریم؛ اما شاه گفت اگر اف-۱۴ نخریم شرکت آن ورشکست می‌شود و من این را نمی‌خواهم. شاه بیشتر از ارتش ایران به آمریکایی‌ها متعهد بود. خریدهای ارتش براساس نیازهای عملیاتی آن نبود بلکه براساس منافع آمریکایی‌ها بود.
۳	دکتر علی نقی عالی‌خانی	رئیس اداره کل ساواک	در خصوص ارتش، تقریباً همه کاره شاه بود و فرماندهان ارتش هیچ کاره بودند، همه خریدهای اساسی و کلان ارتش با اجازه شاه انجام می‌شد و ترفیعات و انتصابات مهم در جایگاه‌های بالا نیز با مجوز شاه بود و فرماندهان عالی ارتش مجری دستورات شاه بودند و اختیاری نداشتند.

ردیف	نام و نشان	مسئولیت در دوره پهلوی	اهم موارد مطرح شده
۴	سرلشکر خلیل شجاعی	فرمانده ضداطلاعات و رکن ۲ ارتش	ما در ارتش، بنا به دستور شاه و درخواست آمریکایی‌ها فقط به دنبال افسران کمونیستی و هواداران آنان بودیم و سایر تخلفات خیلی تحت کنترل و پیگیری ما در ضد اطلاعات قرار نمی‌گرفت.
۵	دکتر منوچهر رزم‌آرا	وزیر بهداشت	من پزشک ارتش بودم و کاملاً برایم ملموس بود تغییراتی که آمریکایی‌ها در ارتش ایجاد کردند، ارتش ما کاملاً آمریکایی شده بود، حتی در نوع و رنگ لباس.

ب. مصاحبه درجه دوم

مصاحبه درجه دوم تحقیق از طریق نخبگان دانشگاهی و کارشناسان سازمان‌های نظامی و امنیتی صورت گرفته است که اهم موارد مطرح شده از سوی یادشدگان درخصوص رفتار نظامی آمریکا در دوره پهلوی دوم به شرح جدول زیر جمع‌بندی و ارائه می‌گردد: (دلایل انتخاب مصاحبه‌شوندگان: ردیف ۱ و ۲ مصاحبه‌شوندگان از اساتید حوزه آمریکاشناسی هستند، ردیف ۳ و ۴ از نظامیانی هستند که در زمان پهلوی در ارتش با آمریکایی‌ها کار کرده‌اند و ردیف ۵ از کارشناسان بخش آمریکا یکی از سازمان‌های امنیتی است)

جدول ۴: مصاحبه درجه دوم

ردیف	نام و نشان	مسئولیت	اهم موارد مطرح شده
۱	دکتر رضا جمشیدی	استاد دانشگاه	رفتار نظامی آمریکا در ارتش با ارسال تجهیزات و تسلیحات و اعزام مستشاران نظامی جهت راه‌اندازی و آموزش تجهیزات شروع گردید. نمونه بارز این اقدامات در نیروی هوایی با فروش هواپیماهای جنگنده بود که ملموس‌تر از قسمت‌های دیگر ارتش بود.
۲	دکتر علی نجف زاده	استاد دانشگاه	شاه برای اطمینان از خنثی شدن کودتا در ارتش تلاش نمود تعداد زیادی مستشار آمریکایی در ارتش به کار بگیرد که این ترند او تا حدودی جواب داد و در سال ۱۳۵۵ به ازای هر ۵ نفر ارتشی یک نفر مستشار آمریکایی وجود داشت.



ردیف	نام و نشان	مسئولیت	اهم موارد مطرح شده
۳	نظامی بازنشسته علی رضاپور	کارشناس نظامی	آمریکایی‌ها به‌جز قوانین و ساختار ارتش، فرهنگ ارتش را نیز تغییر دادند، رواج بی‌بندوباری و ترویج اباحیگری و سکولار شدن ارتش از موضوعات مهمی بود که مستشاران آمریکایی در ارتش ایران پیاده کردند.
۴	نظامی بازنشسته احمد محمودی	کارشناس نظامی	همه قوانین ارتش توسط آمریکایی‌ها بازنگری شد و کلیه طرح‌های عملیاتی براساس دکترین نظامی ارتش آمریکا بازنگری شده بود و جا داشت بگوییم که ارتش ایران یک نمونه از مدل ارتش آمریکایی بود.
۵	رشید خلیلی	کارشناس امنیتی	همه امورات مهم ارتش با هماهنگی شاه و سفیر آمریکا در ایران و ارتشبد طوفانیان انجام می‌شد و سایر مسئولین ارتش و دولت هیچ اختیاری نداشتند. آمریکا بعد از ژاندارم کردن ایران به شاه دستور می‌داد که به سایر کشورهای منطقه کمک نظامی و مالی نماید.

۴. یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

در بررسی اسناد و مدارک مشخص گردید اقدامات آمریکا در حوزه نظامی دوره پهلوی دوم خلاصه می‌شود در ارتش. آمریکا با شیوه‌های متعدد شاه را تحت سلطه خود در آورده بود و از آنجایی که فرمانده کل قوا در حکومت پهلوی شاه محسوب می‌گردید و ارتش مستقیماً تحت نظر و سلطه شاه بود بنابراین آمریکا برای کنترل بر این مجموعه (با شدت و عمق تسلطی که بر شاه داشت)، کار سختی در پیش نداشت، بنابراین درخصوص ارتش و ضداطلاعات آمریکا عمده اقدامات خود را بر ساختارسازی متمرکز می‌نماید که در زیر تحلیل و واکاوی می‌گردد:

۴-۱. آموزش و تجهیز ارتش

بعد از کودتای ۲۸ مرداد پس از آنکه آمریکا با کنسرسیوم نفتی صاحب نفت ایران شد یکی از اقداماتی که شاه پیگیری نمود آموزش و تجهیز ارتش بود، شاه به این موضوع علاقه وافری

داشت و شخصاً پیگیر این موضوع بود تا بالاخره توانست آمریکایی‌ها را راضی کند ارتش ایران را آموزش دهند و سلاح و تجهیزات مدرن بفروشند (فروست، ۱۳۸۶: ۲۸۸).

۴-۲. مستشاران آمریکایی

با مجاز شدن فروش سلاح‌های پیچیده به مقادیر بی‌سابقه به ایران، آمریکا خود را متعهد کرد که این سلاح‌ها را به ایران دهد. این امر به معنای حضور کاملاً مشهود آمریکا در ایران به‌وسیله فرستادن تعداد بسیار زیادی افراد نظامی، غیرنظامی و مشاور برای جبران کمبود شدید نیروی انسانی ماهر لازم برای کاربردی کردن این سلاح‌ها بود. در سال ۱۳۵۶ اکثریت ۲۴ هزار نفر آمریکایی که در ایران بودند، نظامی و یا وابسته به امور نظامی بودند. انتظار می‌رفت که به علت خرید اسلحه از آمریکا این تعداد تا سال ۱۳۵۹ ش به ۵۰ تا ۶۰ هزار نفر برسد» (احمدی، ۱۳۷۲: ۲۴) سرانجام، اگر در یک جمع‌بندی کلی تعداد آمریکاییان شاغل در امور ارتش ایران را نزدیک به ۳۰ هزار نظامی، منظور نماییم با توجه به تعداد کارکنان پایور شاغل در ارتش در آخرین دهه سلطنت پهلوی، در برابر هر شش نظامی ایرانی، یک آمریکایی در ارتش ایران حضور داشته است (پارسونز و سولیوان، ۱۳۷۲: ۷۵). شخص شاه و سردمداران حکومت پهلوی به‌شدت مرعوب قدرت آمریکایی‌ها بوده و به‌طور کامل کشور را در اختیار آن‌ها قرار داده بودند. تحت این شرایط و با توجه به این‌که ورود و خروج آمریکاییان به کشور ثبت نمی‌گردید و حقوق و مزایای مستشاران نظامی نیز از طریق برداشت مستقیم وزارت دفاع آمریکا از سپرده‌های ارزی حاصله از فروش نفت ایران که به بانک‌های آمریکایی واگذار شده بود صورت می‌گرفت، عملاً امکان مشخص ساختن تعداد دقیق مستشاران آمریکایی حاضر در ایران در طول حکومت پهلوی میسر نخواهد گردید. برابر اظهارات سولیوان سفیر آمریکا در ایران؛ در سال ۱۳۵۷ قریب به سی‌وپنج هزار آمریکایی در ایران حضور داشتند و تفاوت مستشاران نظامی آمریکا در ایران با سایر مستشاران نظامی آمریکا در کشورهای دیگر جهان این بود که پرسنل نظامی آمریکا در ایران عملاً جزو نیروهای مسلح ایران به حساب می‌آمدند و به‌جز شش نفر از افسران ارشد، بقیه حقوق‌بگیر دولت ایران



بودند و حقوق، مزایا و هزینه ایاب و ذهاب و مخارج تحصیل فرزندان و ... همه از طرف دولت ایران پرداخت می شد (سولیوان، ۱۳۹۳: ۵۲)

۳-۴. خرید تجهیزات نظامی

از سال ۱۳۵۲ رئیس جمهور آمریکا عمده‌تأ تصمیم‌گیری در مورد خریداری وسایل نظامی را به شاه واگذار کرد. بر این اساس شاه به مجموعه وسیعی از اسلحه، مهمات، تجهیزات و تخصص فنی مربوط به آن‌ها روی آورد و آمریکایی‌ها تأیید می‌کنند که از آغاز سال ۱۳۵۲ بیش از هفت میلیارد اسلحه و تجهیزات به ایران فروخته‌اند که تحویل آن‌ها تا پنج سال به طول خواهد انجامید. این مقدار از تسلیحات نیاز به تخصص فنی داشت و آمریکا از این رهگذر نیز به منافع اقتصادی دست می‌یافت؛ به گونه‌ای که برابر اسناد لانه جاسوسی حدود ۱۵۰۰۰ کارمند غیرنظامی در ایران به کار گرفته شدند (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۶: ۱۹۲)

نظارت گسترده و همه‌جانبه محمدرضا شاه پهلوی بر فرایند سفارش و خرید این تسلیحات بود. بنابراین بدون کسب اجازه و یا دستور از جانب وی، هیچ‌گونه خرید تسلیحاتی انجام نمی‌گرفت. این مسئله توسط افراد مختلفی از قبیل فریدون جم - که یکی از نزدیک‌ترین افراد به دربار و خاندان سلطنتی پهلوی بوده است - و آذربیزین معاون عملیات نیروی هوایی دوره پهلوی مورد تأیید قرار گرفته است و بنا به گفته وی «نه وزارت جنگ کنترل داشت و نه ستاد بزرگ ارتش‌داران. اعلی حضرت بود و بانک مرکزی و ارتشبد طوفانیان و سفارت آمریکا. اصلاً ارتش اطلاعی نداشت ...» (آذربیزین، مصاحبه: ۲۰۰۹) در زمان پهلوی دوم انواع و اقسام تسلیحات مدرن و پیشرفته نظامی توسط ایالات متحده آمریکا به ایران فروخته شد و بین سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۴ ش تقریباً حدود هفت میلیارد دلار از منابع و ثروت‌های ملی ایران صرف خرید تسلیحات نظامی گردید (هویدا، ۱۳۶۵: ۹۸). از سوی دیگر حجم عظیمی از منابع مالی ایران نیز به مستشاران آمریکایی که برای آموزش ارتش ایران و چگونگی استفاده و تعمیر این تسلیحات به ایران آمدند، داده می‌شد. برای مثال شرکت سازنده جنگنده اف-۱۴، به تنهایی هشت صد مستشار به ایران اعزام کرد و سالانه حجم عظیمی از منابع ملی به این

مستشاران داده می‌شد. این مسئله تا جایی شدت پیدا کرد که ایران به مرکزی برای رقابت لابی‌ها و شرکت‌های اسلحه‌سازی تبدیل گردید و به گفته ژنرال «ویلیامسون»^۱ رئیس هیئت مستشاران آمریکایی مقیم ایران در دهه هفتاد میلادی «هر هفته ۳۵ نماینده از کمپانی‌های مختلف سازنده و فروشنده اسلحه وارد تهران می‌شدند» (روبین، ۱۳۶۶: ۱۱۱) بدین ترتیب این مسئله به قدری گسترده بود که ایران به مشتری ویژه تسلیحات آمریکایی تبدیل گردید و به ایران تسلیحاتی فروخته می‌شد که به هیچ وجه به سایر کشورها داده نمی‌شد. مثلاً در زمان کارتر «هفت فروند رادار هشداردهنده پرنده موسوم به «آواکس» به ایران فروخته شد که بهای آن‌ها بالغ بر ۱۲۳۰ میلیون دلار می‌شد. این هواپیماها اساساً برای کشورهای عضو ناتو طراحی شده بود و ایران اولین کشور غیرعضو ناتو بود که اجازه خرید این هواپیمای فوق‌پیشرفته را می‌یافت» (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۶۲).

۴-۴. دکترین نیکسون

بعد از خروج انگلستان از منطقه ایالات متحده به این جمع‌بندی رسیده بود که بهترین شیوه ممکن برای حفاظت از امنیت خلیج فارس، نقش بیشتر ایران و عربستان در منطقه است. این ایده در وزارت خارجه به عنوان دکترین نیکسون مطرح و شناخته شد. ایران و عربستان متحدین غرب در خلیج فارس محسوب می‌شدند و قدرت‌هایی منطقه‌ای بودند که قابلیت‌هایی برای ایفای نقشی بزرگ‌تر در امور امنیتی خلیج فارس داشتند. علاقه وافر شاه به ژاندارمی منطقه و نظر به این که ایران در آن هنگام یک ارتش ۱۵۰ هزار نفری داشت و نیروی هوایی و نیروی دریایی‌اش نیز در حال رشد بود. از طرفی عربستان سعودی تنها ۳۰ هزار نیروی نظامی داشت که اغلب آن‌ها نیز برای مقاصد امنیت داخلی تدارک دیده شده بودند، عربستان در آن هنگام فاقد ناوگان دریایی بود و یک نیروی هوای ضعیف داشت؛ اما از طرفی دیگر عربستان درآمدهای بالایی در حوزه نفت داشت و نفوذی گسترده در میان امیرنشین‌های عربی خلیج فارس داشت. بنابراین ایالات متحده کارکردهایی متمایز برای این دو متحد در بطن

1. Vilieyamson



دکترین نیکسون انتظار داشت. عربستان سعودی می‌توانست از نفوذش برای حفظ ثبات در خلیج فارس استفاده کند؛ اما ایران یک نقش برجسته‌تر نظامی را به‌مثابه یک قدرت دریایی و نیرویی علیه دشمنان منطقه‌ای، ایفا کند. این‌گونه ایران به‌عنوان ستون نظامی و عربستان سعودی به‌عنوان ستون غیرنظامی، دکترین نیکسون در منطقه در نظر گرفته شدند (الوندی، ۱۳۹۵: ۹۲) در راستای ایفای نقش منطقه‌ای ایران در خلیج فارس ایالات متحده تلاش کرد تمام نیازهای تسلیحاتی ایران را برطرف سازد تا شاه بتواند هرگونه بی‌ثباتی منطقه‌ای را بدون حضور آمریکا خنثی سازد (بیل، ۱۳۷۱: ۲۳۶)

۴-۵. پیمان دفاعی بغداد

ایالات متحده در رقابت با شوروی در تدارک یک نظام امنیت دسته‌جمعی در خاورمیانه برآمد. ایالات متحده از اولین سال‌های جنگ سرد در جست‌وجوی چگونگی دفاع از خاورمیانه در برابر شوروی برآمد، در این راستا بود که در سال ۱۹۶۷ م به ترکیه و یونان کمک نظامی کرد و آن‌ها را ترغیب کرد که برای مقابله با خطر کمونیسم به ناتو بپیوندند. در ۱۹۵۵ م عراق و ترکیه درخصوص یک پیمان دفاعی به توافق رسیدند. این پیمان در تاریخ ۲۶ فوریه ۱۹۵۵ م در بغداد بین کشورهای ترکیه و عراق با عنوان پیمان همکاری دفاعی متقابل به امضا رسید و متعاقب آن انگلستان در ۳۰ مارس ۱۹۵۰، پاکستان در ۲۳ سپتامبر ۱۹۵۵ و ایران در ۱۱ اکتبر همان سال وارد پیمان بغداد شدند.

این معاهده بر روی دیگر دولت‌هایی که نگرانی‌های مشابه امنیتی داشتند باز باقی ماند. گرچه آمریکا رسماً و به‌طور کامل بدین پیمان نپیوست اما این ترتیبات امنیتی به‌مثابه نظامی از ائتلاف‌های آمریکایی در خاورمیانه شناخته شد که نشانه‌ای آشکار از جایگزینی فزاینده تسلط بریتانیا و آمریکا در ترتیبات امنیتی منطقه‌ای بود که به‌شدت متأثر از ترس از نیات و مقاصد تهاجمی شوروی بود. سازمان پیمان مرکزی حلقه واسطه نظام دفاعی غرب بود و ناتو و سنتو را به هم پیوند می‌داد. پس از الحاق ایران به پیمان بغداد، چون تجهیزات جنگی کشورهای عضو پیمان می‌بایست یکسان می‌شد، تغییرات دامنه‌داری در ارتش ایران داده شد

و سازمان‌دهی جدیدی تحت نظر و مشورت مستشاران نظامی آمریکایی پی‌ریزی گردید (الوندی، ۱۳۹۵: ۲۷۱)

۴-۶. تغییر ساختار ارتش

در یکی از اسناد لانه جاسوسی خودشان به این موضوع اذعان می‌کنند، آمریکایی‌ها بعد از آنکه به نیازهای نظامی حکومت پهلوی در سه حوزه نیروی زمینی، دریایی و هوایی می‌پردازند به این موضوع اشاره می‌کنند که تأمین این موارد با اهداف آن‌ها هم‌سنگ است و برای این ادعا سندی از اسناد لانه جاسوسی وجود دارد: «پیش‌بینی می‌کنیم که با اجرای برنامه‌های فوق، ساختار دفاعی ایران توانمند و کارآمد خواهد شد. این توانمندی نیز به‌نوبه خود موجب حمایت از اهداف مساعدت‌های امنیتی و منافع ملی ایالات متحده خواهد شد. با وجود این، به‌منظور جذب مؤثر و مدیریت سیستم‌های پیچیده‌ای که ایران قصد اکتسابش را دارد، به ارتقای کنترل فرماندهی، عملیات مشترک، برنامه‌ریزی درازمدت و هماهنگی‌های داخلی نیاز است. دولت ایران کاملاً از مشکلات موجود و بالقوه توانایی خود در جذب این سیستم‌ها آگاه است. به همین سبب شاه همکاری نزدیکی با مستشاران ارشد نظامی، چه ایرانی و چه غیرایرانی، برای تضمین ارتقای این توانایی‌ها دارد» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

۴-۷. ایجاد دیوار نظامی در برابر کمونیسم شوروی

در یکی از اسناد به‌دست‌آمده از سفارت آمریکا با طبقه‌بندی «سری»، چنین آمده است؛ «منافع اساسی ما در منطقه عبارت‌اند از: «ثبات، محدود کردن نفوذ شوروی و درعین‌حال اجتناب از رویارویی با اتحاد شوروی و داشتن دسترسی به نفت و گاز خلیج فارس» در ادامه این متن دوباره تأکید می‌کند که «در خلیج فارس، آنچه برای ما مهم است، می‌خواهیم در عین حالی که از دسترس خود به منطقه و نفت آن حفاظت می‌کنیم، نفوذ شوروی و کشورهای افراطی عرب را مهار کنیم» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۹: ۱۳۳). ارتفاعات البرز و زاگرس، با ارتشی



که غرب آن را آموزش داده و مجهز کرده بود به عنوان بخشی از سپر دفاعی در مقابل اهداف شوروی نسبت به خلیج فارس و منابع عظیم آن محسوب می شد و در یک سند سرّی دیگر سفارت آمریکا «انجام اقدامات ضروری و در حیطه قدرت ایران، به منظور خنثی سازی فعالیت های پنهانی شوروی در ایران و ممانعت از گسترش شوروی به سمت خلیج فارس» جز اهداف آمریکا ذکر شده است. برابر اظهارات فردوست؛ در سال ۱۳۲۸ در سفری که شاه به آمریکا داشت درخواست نمود ارتش آمریکا به ایران در زمان حمله احتمالی شوروی کمک نماید که مورد موافقت ارتش آمریکا قرار نگرفت ولی آن ها طرحی را ارائه کردند که براساس آن حدود هفتاد درصد ارتش ایران در غرب و نوار زاگرس گسترش داده و حدود ۳۰ درصد ارتش در شمال، مرکز، جنوب و شرق مستقر شود تا به این وسیله ارتش ایران بتواند با کمک رشته کوه های زاگرس در برابر ارتش شوروی مقاومت نماید (فردوست، ۱۳۸۶: ۱۵۳).

۴-۸. رخنه در بدنه ارتش

یکی از نکات مهم اشرافیت آمریکایی ها بر ارتش ایران است، آن ها با عناصر و عوامل نفوذی خود در ارتش کلیه وضعیت های حال و برنامه های آینده ارتش را رصد می کردند. اسناد موجود در این زمینه حاکی است؛ «نیروی زمینی شاهنشاهی ایران همچنین یک لشکر زرهی را به منظور تأمین امنیت بخش شرقی ایران تشکیل خواهد داد» یا تحلیل هایی از استعداد نیروهای نظامی در استفاده از تجهیزات درخواستی می دهند که ناشی از اشراف کامل آن ها به اطلاعات نظامی ایران است: «اگرچه نیروی زمینی شاهنشاهی ایران هنوز برنامه ریزی تفصیلی برای جذب تدریجی هویتزهای اضافی انجام نداده است، تحلیل جاری ما از توانایی های آن برای جذب و آموزش خدمه و پشتیبانی این توپ ها نشان می دهد که آن ها احتمالاً می توانند ظرف مدت چهار تا پنج سال هویتزهای درخواستی را جذب کنند» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۸: ۲۸۹). «ارتش ایران از نظر امکانات و آموزش در توان مقابله با تهدیدات داخلی را در حد خوب دارا است و در تهدیدات خارجی تاحدودی از سمت شوروی نگرانی دارند»

(اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۸: ۲۹۶). نظارت دقیق بر روی فعالیت‌های نظامی برون‌مرزی ایران، نشان می‌دهد که هیچ اقدامی در ارتش ایران از دید آمریکایی‌ها پنهان نیست و این اشرافیت توسط عناصر و عوامل نفوذی آن‌ها در ارتش به‌دست‌آمده است. این مسئله به‌خوبی در گزارشی که در ۵ شهریور ۱۳۵۴ توسط سفارت آمریکا به وزارت خارجه این کشور ارسال شده است نشان داده می‌شود. «در این گزارش به مسئله انتقال تسلیحات آمریکایی توسط ایران به برخی کشورهای دیگر منطقه - از قبیل اردن و پاکستان- اشاره شده و پیشنهاد شده است که ایالات‌متحده باید با ایجاد کنترل‌های بیشتر در مورد کشورهای ثالث (کشورهایی که ایران به آن‌ها سلاح می‌دهد) بر نفوذ و قدرت آمریکا در سطح منطقه بیفزاید» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۹: ۱۸۱). در نامه‌ای به سفیر کلاود. جی.رأس در مورد جاسوسی داخلی در ارتش ایران آمده است: «درمجموع در این ناحیه از لحاظ کارمندان مضیقه‌ای نیست. گزارش‌های جاسوسی برای بررسی یکپارچگی و کیفیت توسط مشاور و یا اگر باشد، توسط سطوح بالاتر تجدیدنظر می‌شوند. یک مسئله که همچنان مورد علاقه ماست مربوط می‌شود به اطلاعات درباره جهت و فعالیت سیاسی ارتش ایران. اگرچه از طریق هیئت مستشاری ما و تیم‌های کمک عملیات فنی ارتباط وسیعی با نیروهای مسلح ایران داریم ولی هنوز باید در پی اطلاعات مطلوبمان از لحاظ کیفی و کمی باشیم. ما درصدد هستیم این را از طریق یک برنامه سیستماتیک‌تر سؤال و جواب در پایان مأموریت از افسران منتخب بهبود بخشیم» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۹: ۱۳۰) در سند دیگری مأمور سیا که در سفارت آمریکا فعالیت داشته است در گزارش خود که محصول نفوذ اطلاعاتی در ارتش است می‌نویسد: «ارتش ایران قادر بوده‌اند که امنیت داخلی را برقرار کنند و تحت اغلب شرایط غیر از بی‌نظمی ملی سرتاسری قادر به این کار خواهند بود» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۹: ۴۲۲)

۴-۹. مدیریت خریده‌های نظامی ایران

سفارت آمریکا با تحلیل و برآوردی که از وضعیت داخل کشور در حوزه‌های متعدد به‌خصوص میزان سرمایه دولت داشت برنامه فروش تجهیزات نظامی را تنظیم و به آمریکا



ارسال می نمود که سند زیر یکی از همین نامه ها است، درواقع خریدهای نظامی صد درصد براساس خواست شاه نبود بلکه براساس نظر و برنامه سفارت و مسئولین آمریکایی تغییرات زیادی انجام می شد که این عمق نفوذ آمریکا بر روی شاه و ارتش ایران را نمایان می کند؛ «به منظور کمک به مدیریت برنامه خریدهای نظامی خارجی دولت ایران تا سقف مجاز انتقال تسلیحات، برنامه ای در ارتباط با خرید تسلیحات نظامی به همراه دلایل توجیهی آن تهیه شده است که ارائه می گردد. اطلاعات مربوط به قیمت ها و موجودی که در تهیه این برنامه مورد استفاده قرار گرفته براساس بهترین برآوردهای موجود در داخل کشور است» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۸: ۲۲۱) برابر اظهارات سرتیپ آذربرزین معاون عملیات نیروی هوایی پهلوی؛ «سامانه حاکم بر خریدهای نظامی ایران فاسد بود، ما به جهت مقرون به صرفه بودن هواپیمای اف-۱۵ و اف-۱۶ را انتخاب می کردیم و مستشاران آمریکا با ملاقات حضوری با شاه اف-۱۴ که بر روی دستشان مانده بود و هزینه زیادی داشت را به ایران می فروخت، درواقع آمریکا به ما می گفت چی بخیریم و چی نخیریم (آذربرزین، مصاحبه: ۲۰۰۹).

۴-۱۰. دخالت های شاه در امور ارتش

برابر اظهارات فردوست؛ شاه همه امورات ارتش را خودش شخصاً پیگیری می کرد، فرماندهان ارتش تقریباً اختیاری نداشتند، همه عزل و نصب ها، مأموریت های مهم و ترفیع های بالا و ... با نظر شخص شاه بود (فردوست، ۱۳۸۶: ۱۴۴). مسئله بسیار مهم دیگر که در ارتباط با حجم گسترده خریدهای تسلیحاتی وجود داشت، نظارت گسترده و همه جانبه محمدرضا شاه پهلوی بر فرایند سفارش و خرید این تسلیحات بود. بنابراین بدون کسب اجازه و یا دستور از جانب وی، هیچ گونه خرید تسلیحاتی انجام نمی گرفت. این مسئله توسط افراد مختلفی از قبیل فریدون جم - که یکی از نزدیک ترین افراد به دربار و خاندان سلطنتی پهلوی بوده است - مورد تأیید قرار گرفته است و بنا به گفته وی «نه وزارت جنگ کنترلی داشت و نه ستاد بزرگ ارتش داران. اعلیحضرت بود و بانک مرکزی و ارتشبد طوفانیان و سفارت آمریکا. اصلاً ارتش اطلاعی نداشت ...» (روبین، ۱۳۶۳: ۲۴۸).



۶. نتیجه گیری و پیشنهاد

ساختار حکومت پهلوی به گونه‌ای است که همه قوا در حاکمیت به شخص شاه ختم می‌گردد بنابراین آمریکا با علم بر این موضوع اولین و سنگین‌ترین و پرهزینه‌ترین تسلط و مدیریت خود را بر روی شاه برنامه‌ریزی نموده و با توجه به ضعف‌های روان‌شناختی شاه و موقعیت متزلزل وی، نتیجه هم می‌گیرد؛ بنابراین برای ورود به حوزه نظامی که همه داشته پهلوی به ارتش خلاصه می‌گردد. با اطمینان از بخش کارگزار، عمده اقدامات آمریکا معطوف به ساختارسازی در ارتش می‌گردد. بنابراین دو محور ارتش و ضداطلاعات در زیر مورد تحلیل و واکاوی قرار می‌گیرد:

❖ ارتش

برابر نتایج به‌دست‌آمده از تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته از داده‌های تحقیق، آمریکا از طریق تجهیز و آموزش ارتش مدیریت نظامی در دوره پهلوی را پیگیری نموده است، تقریباً سی و پنج هزار مستشار نظامی^۱ در ارتش ایران خدمت کرده‌اند که عملاً جزو نیروهای مسلح ایران محسوب شده و به‌جز شش نفر افسر ارشد بقیه حقوق‌بگیر دولت ایران بوده و حقوق، مزایا و هزینه ایاب و ذهاب و مخارج تحصیل فرزندان و همه از طرف دولت ایران پرداخت می‌گردید. علت این امر شخص شاه بود، شاه به این صورت از سه ناحیه احساس امنیت می‌کرد؛ اول از ناحیه شوروی و دوم از ناحیه مردم و سوم از کودتای نظامی، به عبارت دیگر شاه از شوروی و مردم و کودتای نظامی واهمه زیادی داشت و با جذب حداکثری مستشاران آمریکایی در ارتش درواقع به مقابله با این سه نگرانی می‌پرداخت. فروش گسترده تجهیزات نظامی به ایران در انواع مختلف باعث شده بود تا ایران به دپوی انواع سلاح‌های آمریکایی تبدیل شود و نظامیان ایرانی حتی با طرز کار برخی از تجهیزات آشنا نبودند. برابر آمار تأیید نشده تعداد ۷ هزار نفر از ارتش ایران برای آموزش و دوره‌های نظامی به آمریکا اعزام شدند که عمده آن‌ها افسران خلبان بودند و تعداد کمی هم برای تعمیر و نگهداری و کار با تجهیزات

۱. به جهت عدم ثبت آمار ورود و خروج مستشاران آمریکایی در زمان ورود به ایران و در زمان حضور در اماکن نظامی، آمار تقریبی است.

نوین تحت آموزش تقریباً ابتدایی قرار گرفتند، حجم صادرات تسلیحات نظامی آمریکا به ایران در سال ۱۹۷۲ م به رقم هفت میلیارد دلار رسید که در سطح دنیا بی‌سابقه بود. همین امر باعث شده بود تا شاه، شصت درصد از درآمد کشور را به ارتش و خریدهای تسلیحاتی اختصاص دهد که نتیجه این سیاست، نامتوازن شدن وضعیت کشور به‌خصوص در حوزه اقتصادی و اجتماعی شده بود. برای استفاده از تجهیزات و تسلیحات جدید مستشاران زیادی وارد ارتش شده و آموزش‌های ارتش را تغییر دادند، کم‌کم با افزایش مستشاران قوانین ارتش هم دچار تغییر شد، مستشاران فرهنگ ارتش را هم دچار تزلزل کرده بودند؛ اما بر روی ساختار و طرح‌های فنی خیلی متمرکز بودند و تقریباً خودشان کار می‌کردند و از ایرانی‌ها فقط نفراتی که با آن‌ها هم فرهنگ و شبیه آن‌ها بودند را به جمع خود در پروژه‌ها راه می‌دادند به‌نحوی که از سال ۱۳۴۵ ش به بعد ساختار ارتش کاملاً تغییر یافته و منطبق بر ساختار ارتش آمریکا گردید. نحوه آرایش نیروها و یگان‌های ارتش در سطح کشور و مرزها براساس دکترین نظامی و دفاعی آمریکا چیده شد و استدلال شاه این بود آرایش ارائه‌شده از سوی آمریکا برای مقابله با جنگ احتمالی با شوروی مفید و کاربردی‌تر است. نیروی هوایی، دریایی و زمینی ارتش بنا بر منافع و نظر آمریکا در سایر کشورها به مأموریت اعزام می‌شدند. تعدادی از پایوران و سربازان ارتش در این مأموریت‌ها جانشان را از دست دادند و استدلال شاه مقابله با تهدیدات کمونیسم شوروی بود در صورتی که اهداف آمریکا با جان سربازان ایرانی و تجهیزات و سرمایه‌های ایران تأمین می‌شد. همه امورات ارتش در حوزه انتصابات، خرید، آموزش، مأموریت و ... صرفاً با هماهنگی شخص شاه انجام می‌گردید و فرماندهان ارتش عملاً فاقد هرگونه اختیاری در این زمینه بودند که نمونه بارز آن اظهارات سپهبد آذربزین در خرید هواپیماهای اف-۱۴ از آمریکا است. ضد اطلاعات با توصیه و اصرار آمریکا برای شناسایی عناصر وابسته به کمونیسم شوروی در ارتش تأسیس و راه‌اندازی شد و در هر واحد دارای یک شعبه بودند. درخصوص سوابق کمونیستی سایر کشورهای کمونیستی سابقه‌ای در ضد اطلاعات وجود نداشت مثل چین، عراق، هند و ... که این موضع قابل تأمل است.

برابر اسناد موجود سازمان سیا پس از بازگشت مأموران نظامی خود از مأموریت مستشاری



ایران همه آنها را دقیقاً مورد مصاحبه اطلاعاتی قرار داده و درخصوص همه جزئیات یادشدگان را تخلیه اطلاعاتی می نمود این امر نشان می دهد سرویس اطلاعاتی ایالات متحده برای ایران اهمیت خاصی قائل است و تلاش می کند از هر طریقی پیرامون کشور هدف اطلاعات جمع آوری نماید و از سوی دیگر در این تخلیه اطلاعاتی ها به دنبال شناسایی عوامل مستعد برای جلب همکاری است که این هم از نکات مورد تأمل است، آمریکایی که نزدیک به ۳۰ تا ۴۰ هزار مستشار در ایران داشت و هزاران مأمور اطلاعاتی با پوشش و بدون پوشش در سطح ایران فعال بودند و کل کشور در اختیار آنها بود چرا باز به دنبال شناسایی عناصر مستعد برای به کارگیری در اهداف اطلاعاتی است.

یکی از پیمان های نظامی تحمیل شده به شاه از سوی آمریکا پیمان ستو است که پس از آن براساس این پیمان آمریکا تجهیزات و تسلیحات خیلی زیادی را به ایران فروخت تا جایی که صدای اعتراض برخی از فرماندهان نظامی برخاست که بعضی از این تجهیزات برای ایران کارایی ندارند. برخی از تجهیزات آن قدر بلااستفاده بود که خود شاه هم به طوفانیان گفته بود می دانم اف-۱۴ در برابر اف ۱۶ جنگنده قابل نیست لیکن چاره ای ندارم اگر اف-۱۴ نخریم شرکت سازنده اف-۱۴ ورشکست می شود و من این را نمی خواهم.

طرح نیکسون یکی از طرح هایی بود که باعث شد ارتش کاملاً در جهت اهداف و منافع آمریکا خدمت نماید، بعد از دریافت ژاندارمی منطقه از سوی شاه، آمریکا دستورات خود را برای رسیدگی به اهداف و منافعش با قدرت بر شاه مطرح می کرد، اعزام تجهیزات و نیروی انسانی سرباز و پایور به پاکستان، یمن شمالی، عمان ویتنام و برخی مناطق دیگر از جمله این موارد است.

شاه به واسطه ترس همیشگی که از کودتا داشت ارتش را توسط مستشاران آمریکایی به هم ریخت، شاه به جای تکیه به ارتش ۱۵۰ هزار نفری خودش به ۳۰ هزار مستشار آمریکایی تکیه کرده بود، به عبارتی به این ۳۰ هزار بیشتر امید داشت تا ۱۵۰ هزار نفر، بنابراین شاه تلاش می کرد تعداد بیشتری مستشار در ارتش حضور داشته باشند و این را برای خودش نقطه قوت می دانست. از طرفی شاه خیلی تلاش کرد ارتش را در همه حوزه ها لباس، آموزش،

مأموریت، آماد، تجهیزات و ... آمریکایی نماید و تقریباً موفق شد زیرا ساختار ارتش صد درصد تغییر یافت لیکن آن چیزی که تغییر نیافته بود فکر سربازان و پایوران بود که او هم از همین نگرانی داشت.

❖ ضداطلاعات ارتش

برابر نتایج به‌دست‌آمده از تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته از داده‌های تحقیق، آمریکا از طریق تأسیس و آموزش ضداطلاعات ارتش، مدیریت نظامی در دوره پهلوی را پیگیری نموده است. بعد از شناسایی تعداد زیادی افسر ارتش وابسته به حزب توده با پیشنهاد و ابتکار سفارت آمریکا یک واحد اطلاعاتی و امنیتی در ارتش با عنوان ضداطلاعات ارتش توسط سازمان سیا پایه‌گذاری و تأسیس شد، پس از تشکیل واحد مرکزی، با آموزش افسران واجد شرایط واحدهایی در هر لشکر و تیپ تشکیل و وظیفه آنان بررسی سوابق کارکنان یگان‌های تابعه از جهت هواداری یا عضویت در گروه‌های کمونیستی بود. ضداطلاعات ارتش در کوتاه‌ترین زمان توانست تعدادی از افسران و درجه‌داران هوادار مرام کمونیستی را شناسایی و از ارتش پاک‌سازی نماید. در این شرایط ضداطلاعات به‌عنوان یک سازمان فعال در دست آمریکایی‌ها آماده هرگونه خدمات و همکاری با آنان بود که آمریکا از این سازمان برای تسلط بیشتر بر سران ارتش و کنترل عناصر کمونیستی بهره فراوان بردند.

پیشنهادهای پژوهش

- ✓ چگونگی تسلط آمریکا در ساختار نظامی دوره پهلوی در شبکه‌های مستند سیما برای تبیین چهره واقعی آمریکا و پهلوی پخش گردد.
- ✓ بخش از استنادات رفتار نظامی آمریکا در شبکه‌های اجتماعی و اینترنتی توسط دستگاه‌های مسئول بارگذاری شود.



فهرست منابع

- آقابخشی، علی‌اکبر؛ افشاری‌راد، مینو (۱۳۸۶). *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: چاپار، چاپ دوم ویرایش ششم.
- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد اول، دوم، سوم، چهارم و ششم، هفتم، هشتم. تهران: مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- اسدی، بیژن (۱۳۸۱). *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران: سمت.
- الوندی، رهام (۱۳۹۵). *نیکسون، کیسینجر و شاه*، ترجمه غلامرضا علی بابایی، تهران: پارسه.
- احمدی، هوشنگ (۱۳۷۲). *سیاست خارجی منطقه‌ای ایران*، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال هفتم، شماره ۱۱.
- بیل، جیمز (۱۳۷۱). *شیر و عقاب؛ روابط بد فرجام ایران و آمریکا*، ترجمه فروزنده برلیان، تهران: فاخته.
- پیرهادی، محسن (۱۳۹۵). *ابعاد نفوذ آمریکا در ایران (۱۹۵۳-۱۹۷۹) و پیامدهای آن در شکل‌گیری روابط دو کشور پس از انقلاب اسلامی*، دانشگاه علامه طباطبائی، رساله دکتری.
- رواسانی، شاپور (۱۳۶۷). *جهان سوم چگونه غارت می‌شود*، تهران: نشر شمع.
- رسولی، مجید (۱۳۹۸). *بررسی روابط ایران با آمریکا در دوره نخست‌وزیری علی‌امینی*، تهران: فصلنامه پژوهش‌های علوم انسانی، شماره ۳۴.
- روبین، باری (۱۳۶۳). *جنگ قدرت‌ها در ایران*، ترجمه محمود مشرقی، تهران: آشتیانی.
- زونیس، ماروین (۱۳۷۰). *شکست شاهانه؛ روان‌شناسی شخصیت شاه*، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.
- سولیوان و یلیام؛ آتونی، پارسونز (۱۳۷۲). *خاطرات دو سفیر*، ترجمه محمود طلوعی، تهران: علم.
- شایان‌مهر، علیرضا (۱۳۷۹). *دائرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، تهران: کیهان، چاپ اول.
- موسوی، حسین (۱۳۹۶). *هژمون‌گرایی منطقه‌ای ایران: بررسی رابطه حکومت پهلوی دوم و آمریکا*، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

میلانی، جمیل (۱۳۹۳). چرخش در سیاست خارجی ایران در دهه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (از موازنه منفی تا وابستگی)، تهران، فصلنامه سیاست، شماره ۴.

میلانی، جمیل (۱۳۹۳). چرخش در سیاست خارجی ایران در دهه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش. فصلنامه سیاست شماره ۴

محمدی، مهدی (۱۳۹۶). ماهنامه معرفت، سال ۲۶، شماره ۲۳۸.

فردوست، حسین (۱۳۷۰). ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران: مؤسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی.

فرهادی، علی (۱۳۹۶). سناریوهای نفوذ نرم دشمن در نیروهای مسلح ج.ا.ایران، فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی، سال دوم، شماره ۵

هویدا، فریدون (۱۳۷۳). سقوط شاه، تهران: انتشارات اطلاعات.

هیکل، محمدحسین (۱۳۶۲). ایران روایتی که ناگفته ماند، ترجمه حمید احمدی، تهران: الهام مصاحبه:

عبدالله آذربیزین، (۲۰۰۹). مصاحبه تاریخ شفاهی پهلوی. آمریکا

امیر هوشنگ آریانپور، (۲۰۱۱). مصاحبه تاریخ شفاهی پهلوی. آمریکا

علی نقی عالی خانی، (۲۰۱۱). مصاحبه تاریخ شفاهی پهلوی. آمریکا

خلیل شجاعی، (۲۰۱۲). مصاحبه تاریخ شفاهی پهلوی. آمریکا

منوچهر رزم آرا، (۲۰۱۲). مصاحبه تاریخ شفاهی پهلوی. آمریکا

رضا جمشیدی، (۱۴۰۰). رفتار نظامی آمریکا در ایران، تهران

علی نجف زاده، (۱۴۰۰). رفتار نظامی آمریکا در ایران، تهران

نظامی بازنشسته علی رضاپور، (۱۴۰۰). رفتار نظامی آمریکا در ایران، تهران

نظامی بازنشسته احمد محمودی، (۱۴۰۰). رفتار نظامی آمریکا در ایران، تهران

رشید خلیلی، (۱۴۰۰). رفتار نظامی آمریکا در ایران، تهران



References

- Mojtahed Zadeh, Pirouz. (1990). *Political Geography of Strait of Hormuz*, London, Soas, University of London.
- Sepehr & Chobin(1998), *Foreign Relations of Iran: Developing State in a Zone of Great Power Conflict*.
- Zonis, marvin(1997).*Magestic failure: The Fall of the Shah*.
- Kamrva,mehran(2007). *Revolution in Iran: Roots Turmoil*.